احكام و تعاليم فردى - امانت

حضرت بهاءالله



**امانت**

**حضرت بهاءالله:**

1 – " زيّنوا رؤسكم بإكليل الأمانة والوفآء وقلوبكم بردآء التّقوى وألسنكم بالصّدق الخالص وهياكلكم بطراز الآداب كلّ ذلك من سجيّة الإنسان لو أنتم من المتبصّرين يا أهل البهآء تمسّكوا بحبل العبوديّة لله الحقّ بها تظهر مقاماتكم وتثبت أسمآئكم وترتفع مراتبكم وأذكاركم في لوح حفيظ إيّاكم أن يمنعكم من على الأرض عن هذا المقام العزيز الرّفيع قد وصّيناكم بها في أكثر الألواح وفي هذا اللّوح الّذي لاح من أفقه نيّر أحكام ربّكم المقتدر الحكيم " (كتاب اقدس – بند 120)

2 – " هو اللّه تعالی شأنه العظمة و الاقتدار جميع انبيا و اوليا از نزد حقّ جلّ جلاله مأمور بوده‌اند که اشجار وجود انسانی را از فرات آداب و دانائی سقايه نمايند تا از کل ظاهر شود آنچه که در ايشان به نفس ايشان من عند اللّه وديعه گذاشته شده. هر درختی را ثمری مشهود چنانچه مشاهده می شود. شجر بی ثمر لايق نار است و مقصود از آنچه فرموده‌اند و تعليم داده‌اند حفظ مراتب و مقامات عالم انسانی بوده طوبی از برای نفسی که در يوم الهی به اصول اللّه تمسّک جست و از قانون حقيقی انحراف نجست. اثمار سدره وجود امانت و ديانت و صدق و صفا و اعظم از کل بعد از توحيد حضرت باری جلّ و عزّ مراعات حقوق والدين است. در جميع کتب الهی اين فقره مذکور و از قلم اعلی مسطور ان انظر ما انزله الرّحمن فی الفرقان قوله تعالی "واعبدوا اللّه ولا تشرکوا به شيئاً وبالوالدين إحسانا" ملاحظه نمائيد احسان به والدين را با توحيد مقترن فرموده طوبی لکلّ عارف حکيم يشهد ويری ويقرء ويعرف ويعمل بما أنزله اللّه في کتب القبل وفي هذا اللّوح البديع " (رساله سؤال و جواب، 106)

2 - " اجْعَلُوا أَقْوَالَكُم مُقَدَّسَةً عَنِ الزَّيْغِ وَالهَوَى وَأَعْمَالَكُم مُنَزَّهَةً عَنِ الرَّيْبِ وَالرِّيَاءِ ... كُونُوا فِي الطَّرْفِ عَفِيفًا وَفِي اليَدِ أَمِيْنًا وَفِي اللِّسَانِ صَادِقًا وَفِي القَلْبِ مُتَذَكِّرًا " (لوح الحكمة)

3 - " كن في النّعمة منفقًا وفي فقدها شاكرًا وفي الحقوق أمينًا ... ولوجه الصّدق جمالاً ولهيكل الأمانة طرازًا ولبيت الأخلاق عرشًا ولجسد العالم روحًا " (لوح عندليب، آثار قلم اعلى، جلد 2، 159 بديع)

4 - " طراز چهارم فی الأمانة إنّها باب الإطمينان لمن في الإمکان وآية العزّة من لدی الرّحمن . من فاز بها فاز بکنوز الثّروة والغَناء. امانت باب اعظم است از برای راحت و اطمينان خلق . قوام هر امری از امور باو منوط بوده و هست . عوالم عزّت و رفعت و ثروت بنور آن روشن و منير . چندی قبل اين ذکر احلی از قلم اعلی نازل . إنّا نذکر لک الأمانة ومقامها عند اللّه ربّک وربّ العرش العظيم . إنّا قصدنا يوما من الأيّام جزيرتنا الخضراء فلمّا وردنا رأينا أنهارها جارية وأشجارها ملتفّة وکانت الشّمس تلعب في خلال الأشجار . توجّهنا إلی اليمين رأينا ما لا يتحرّک القلم علی ذکره وذکر ما شاهدت عين مولی الوری في ذاک المقام الألطف الأشرف المبارک الأعلی . ثمّ أقبلنا إلی اليسار شاهدنا طلعة من طلعات الفردوس الأعلی قائمة علی عمود من النّور ونادت بأعلی النّداء يا ملأ الأرض والسّماء انظروا جمالي ونوري وظهوري وإشراقي . تاللّه الحقّ أنا الأمانة وظهورها وحسنها وأجرٌ لمن تمسّک بها وعرف شأنها ومقامها وتشبّث بذيلها . أنا الزّينة الکبری لأهل البهاء وطراز العزّ لمن في ملکوت الإنشاء وأنا السّبب الأعظم لثروة العالم وأفق الإطمينان لأهل الإمکان . کذلک أنزلنا لک ما يقرّب العباد إلی مالک الإيجاد. يا أهل البهاء إنّها أحسن طراز لهياکلکم وأبهی إكليل لرؤوسکم خذوها أمرا من لدن آمر خبير " . (لوح مبارک طرازات ص ٢٠ - ١٩ مجموعه ای از الواح اقدس ابهی)

5 - " إنّا أمرنا الکلّ بالأمانة الکبری يشهد بذلک لساني وقلمي وأرکاني والّذين يطوفون حولي ثمّ هذا الکتاب المنير . من النّاس من نبّذها عن ورائه وبذلک هتکت حرمة اللّه المتعالي العزيز المنيع " (ص ١٥٧ ج ٣ امر و خلق)

6 - " يا أحبّاء اللّه إنّ قلم الصدق يؤصيئکم بالأمانة الکبری لعمر اللّه نورها أظهر من نور الشّمس قد خسف کل نور عند نورها وضيائها وإشراقها . از حق ميطلبم مدن و ديارش را از اشراقات انوار شمس امانت محروم نفرمايد جميع را در ليالی و ايّام بامانت و عفّت و صفا و وفا دلالت نموديم و باعمال طيّبه و اخلاق مرضيّه وصيّت کرديم "

(ص ٤٤ اخلاق بهائی - شبيه اين نصّ مبارک در ص ١٤٠ مجموعه اشراقات نيز وجود دارد)

7 - " موج دوم ميفرمايد يا قوم امروز احسن طراز عنداللّه امانت است فضل و عطا از برای نفسی که باين زينت کبری مزيّن گشته " (لوح مبارک امواج ص ٣٦٣ مجموعه الواح حضرت بهاءاللّه)

8 – " آسمان امر الهی به آفتاب امانت روشن است . به حبل امانت متمسّک شو و به ذيل صداقت متشبّث . اين دو نيّر اعظمند که از افق اعلی طالع شده اند و در آسمان حکم سلطان امکان مشرق و مضيئند . إن شاء اللّه باين مقام فائز شوی و بذکر دوست ناطق گردی . إنّه لهو الذّاکر النّاصح العزيز الحکيم " . (ص ٥٤ فضائل اخلاق)

9 - " اگر امروز نفسی بطراز امانت فائز شود عنداللّه احبّ است از عمل نفسيکه پياده بشطر اقدس توجّه نمايد و بلقای معبود در مقام محمود فائز گردد . امانت از برای مدينه انسانيّت بمثابه حصن است و از برای هيکل انسانی بمنزله عين اگر نفسی از او محروم ماند در ساحت عرش نابينا مذکور و مسطور است اگر چه در حدّت بصر مانند زرقاء يمامه باشد "

(ص ٢٥ ج ٤ مائده آسمانی ط ١٢٩ بديع)

10 - " امانت بعد از ديانت از طراز اوّل مذکور و از کلمه اولی مسطور . نورش بمثابه نور شمس بر جميع انوار غلبه داشته و دارد. طوبی از برای نفسی که بنورش منوّر گشت و بر مقامش آگاه شد " (ص ٥٦ فضائل اخلاق)

11 - " اگر احبای الهی بطراز امانت و صدق و راستی مزيّن نباشند ضرّش بخود آن نفوس و جميع ناس راجع اوّلا آن نفوس ابدا محلّ امانت کلمه الهيّه و اسرار مکنونه ربّانيّه نخواهند شد و ثانی سبب ضلالت و اعراض ناس بوده و خواهند بود و عن ورائها قهر اللّه وغضبه وعذاب اللّه وسخطه " (ص ١٦٨ مجموعه اقتدارات)

12 - " شخص انسانی را امانت بمنزله سر و راستی بمثابه بصر است و اگر نفسی از اين دو محروم شد باسم حيوان مذکور خواهد شد " (ص ٥٢ فضائل اخلاق)

**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " اگر نفسی بجميع اعمال خيريّه قائم ولی در امانت و ديانت ذرّه ای قاصر ، اعمال خيريّه مانند سپند گردد و آن قصور آتش جانسوز شود ... " (ص ٤٨ اخلاق بهائی)

و بعد در همين لوح مبارک خطاب بجناب حاج آقا علاقبند ميفرمايند :

2 - " امانت عندالحقّ اساس دين الهيست و بنياد جميع فضائل و مناقب است اگر نفسی از آن محروم ماند از جميع شؤون محروم . باوجود قصور در امانت از ايمان و ديانت چه ثمری و چه اثری و چه نتيجه و چه فائده ای " (ص ٤٨ اخلاق بهائی)

3 - " عبدالبهاء کلّ احبّا را نصيحت مينمايند بلکه عجز و زاری ميکند که حرمت امر اللّه را محافظه نمائيد و عزّت نفوس را محافظه کنيد تا اهل بهاء در بين کلّ ملل مشهور و معروف بامانت و ديانت گردند و خدمتی اليوم اعظم از اين نه و خلاف آن تيشه بر ريشه امراللّه است نَعُوذُ بِاللّهِ مِن هَذَا الذّنبِ العَظِيمِ أَسألُ اللّهَ بِأَن يَحفَظَ أَحِبّائَهُ مِن هَذَا الظُلمِ المُبينِ"

(لوح مبارک که در صحفه ١٥٨ ج ٣ امر و خلق)

4 - " در خصوص معاملات احبّاء با يکديگر مرقوم نموده بوديد اين مسأله اهمّ امور است و اين قضيّه را بايد نهايت اهتمام داد ياران الهی بايد با يکديگر در نهايت امانت و ديانت معامله نمايند و هر کس در اينخصوص قصور کند از نصايح جمال مبارک و از وصايای الهی رو گردان است اگر انسان در خانه خود با متعلّقان و ياران در نهايت امانت و ديانت معامله ننمايد با بيگانگان هر چه بامانت و راستی معامله کند بی ثمر و نتيجه ماند . اوّل بايد معاملات داخليّه را منتظم کرد بعد بخارج پرداخت نه اينکه گفت آشنايان را اهتمام نبايد و ايشان را در امانت با يکديگر چندان اهميّتی لازم نه ولی بايد با بيگانگان درست رفتار کرد . اين اوهام است و سبب خسران و زيان . طُوبَی لِنَفسِ أَشرَقَت بِنُورِ الأَمَانَةِ بَينَ العُمُومِ وَكَانَت آيَةَ الکَمَالِ بَينَ الجُمهُورِ "

(ص ١٥٩ ج ٣ امر و خلق)

5 - " عدم ديانت و امانت تير پُر زهری است که بجرگاه و دل و جان عبدالهاء ميخورد" (ص ٤٩ اخلاق بهائی)